

آزادی و عدالت

مجموعه نوشتارها، گفتارها، نامه‌ها و...

• خلیل موحد

سرشناسه	:	موحد، خلیل
عنوان و نام پدیدآور	:	در دفاع از آزادی و عدالت: مجموعه نوشتارها، گفت وگوها، نامه‌ها و ... / نویسنده خلیل موحد.
مشخصات نشر	:	بوشهر: نشر نای بند
مشخصات ظاهری	:	۷۶۸ ص.
شابک	:	۷-۱-۹۹۴۳۷-۶۲۲-۹۷۸-۱۰۰/تومان
امنیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	موحد، خلیل -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	:	آزادی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	:	Liberty -- Addresses, essays, lectures
موضوع	:	عدالت -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	:	Justice -- Addresses, essays, lecture
موضوع	:	دموکراسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	:	Democracy
رده بندی کنگره	:	C۳۸۸ / A۵۱۰۸
رده بندی دیویی	:	۳۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۵۷۰۰۷



طرح جلد و گرافیک: اسماعیل منتهی

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: یکصد هزار تومان

ISBN: 978-622-99437-1-7



9

786229

943717

فهرست

۱۳.....	درآمد.....
۱۸.....	هم‌آوایی مهرودانش.....
۱۹.....	بخش اول: مقالات و یادداشت‌ها
۲۰.....	جمعیت کشور، جمعیت تهران و انتخابات.....
۲۵.....	وداع با سنت‌های جاهلی.....
۲۸.....	اداره‌ی استان بوشهر به وسیله‌ی چه کسانی، نیروهای بومی یا غیربومی و یا...؟.....
۳۲.....	با دوستان روت دشمنان مدارا.....
۳۷.....	نگاهی به برخی وظایف متقابل مطبوعات و مسئولین.....
۴۳.....	نمایندگان مجلس و حق پرمش برای شهروندان.....
۴۷.....	مشکل عقب‌ماندگی مطالبات ف‌هنگیان.....
۴۹.....	انجمن اسلامی معلمان استان بوشهر، چه انتخاب؟.....
۵۲.....	در پی چه نتیجه‌ای؟!.....
۵۵.....	سرنوشت کالاهای قاچاق در استان بوشهر؟.....
۵۸.....	آفتاب آمد دلیل آفتاب.....
۶۲.....	خبر، پرسش و تحلیل پیرامون بزرگ‌ترین قرآن سنی جهان.....
۶۶.....	چند درد دل با رئیس جمهور.....
۷۰.....	دور فلکی یکسره بر منهج عدل است.....
۷۳.....	جام عدل.....
۷۸.....	کاندیداهای نمایندگی مجلس و پرسش‌های روشنفکران.....
۸۰.....	آیا دادفر اشتباه کرده است؟.....
۸۴.....	اصلاحات، جامعه‌ی مدنی و مراسم سی تیر در بوشهر.....
۸۸.....	ملی - مذهبی‌های برانداز؟!.....
۹۴.....	چند پیشنهاد به شورای شهر بوشهر.....
۹۸.....	هیولای شکنجه.....
۱۰۷.....	انتخابات آزاد.....
۱۱۱.....	وفاق ملی و پیش‌نیازهای آن.....
۱۱۶.....	شبح جنگ در آسمان منطقه.....
۱۲۲.....	روی‌گردانی از مشارکت سیاسی.....
۱۲۶.....	یک اقدام جدید و آموزنده.....

۱۳۲	فضیلت دفاع از حقوق انسان
۱۳۷	یاد یاران
۱۴۵	امام صادق پاسدار حقوق مخالفان
۱۵۱	اعتصاب فرهنگیان، صنفی یا سیاسی؟
۱۵۶	مسیح پیام آور صلح، آزادی و عدالت
۱۶۴	رکن چهارم
۱۷۰	محافظه کاران و استیضاح وزیر آموزش و پرورش
۱۷۵	معلمان؛ قیام تبیض
۱۸۵	رأی بالائت ری بالعرض
۱۹۲	رکن چهارم در تعطیلات
۲۰۵	کودکان؛ قربانیان نعل، شات و نابرابری
۲۰۷	آموزه های ماندگار
۲۱۳	پس عزیز خود کنید ای خفگان
۲۱۸	ریاست؛ پاداش دوستی با احمد راد
۲۲۳	در دفاع از حقوق معلمان
۲۳۴	بازخوانی پرونده ی انتخابات ریاست جمهوری
۲۴۴	تک صدایی و مدیریت فرهنگی
۲۴۷	هفته ی دولت و تهدید مطبوعات
۲۵۱	حذف نخبگان در ادامه ی حذف مدیران
۲۵۴	تأیید صلاحیت اصلاح طلبان هم چنان در ابهام
۲۵۷	حضور در شوراها راه رسیدن به دموکراسی
۲۶۷	بهره گیری از تمامی سرمایه ها
۲۶۹	مرز میان نقد و توهین
۲۷۳	شغل شرافتمندانه، حق آدمیان است
۲۷۶	من زور دارم، پس هستم
۲۷۸	حق مردم، حق حکومت
۲۸۶	خبر و تحلیل
۲۸۷	احزاب سیاسی در بوشهر و چالش های درونی
۲۹۱	بحثی با ناخرسندان جشنواره
۲۹۴	نوری و موانع پیش رو
۲۹۷	نقدی بر دوا دعا

۲۹۹	چرا کروی؟
۳۰۲	نورم ۱۳/۵ درصد، افزایش حقوق ۸ درصد
۳۰۳	جنبش فرهنگی
۳۰۶	چند اصل حقوق بشری در حکومت امام علی
۳۱۶	پاداش اخروی و حقوق شهروندان
۳۲۲	در باب عملکرد جهانبخش
۳۲۹	شورا و نهاد مدنی
۳۳۲	انتخابات سالم
۳۳۶	حق گردش آزاد اطلاعات
۳۴۴	در نسبت میان وسیله و هدف
۳۴۹	انتخاب استاندارد حق مردم
۳۵۴	مطبوعات محلی؛ ندی انزرون
۳۵۸	رئیس جمهور؛ ظرفیت‌ها و منابع
۳۶۹	دانشجو و قدرت سیاسی
۳۷۲	مطالباتی بر بنیاد داد و حقوق انسانی
۳۷۷	آزادی اندیشه، بیان و مطبوعات در منشور حقوق شه‌ندی
۳۸۰	مطالبات و انتظارات فرهنگی ما در جغرافیای سحی
۳۸۴	نقدی بر نقد
۳۸۷	در باب سفرهای استانی
۳۹۲	چالش اصلی نهادهای مدنی
۳۹۵	حق نقد و اعتراض
۴۰۶	در دفاع از انسان فلسطینی
۴۱۳	کثرت‌گرایی، پیام‌آور صلح
۴۱۸	فقرا و ازگون کنیم
۴۲۲	تعامل فرهنگی؛ موانع و راه‌کارها
۴۲۵	معلم‌ان؛ جنبش علیه تبعیض
۴۳۱	کارنامه‌ی مثبت اما ناتمام
۴۳۴	لزوم برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک
۴۳۶	شعر تر و خاطر حزین
۴۴۱	در نسبت میان آگاهی و رخ‌زردی
۴۴۴	روزنامه یا پاکورا

۴۴۸	در لزوم پاسخگویی به افکار عمومی
۴۵۱	بخش دوم: مصاحبه‌ها و میزگردها
۴۵۲	کاندیدای اصلح و حقوق مردم
۴۵۵	نقش انجمن‌های غیردولتی در توسعه، و مشکلات آنان در بوشهر
۴۶۶	در پاسخ به یک پرسش
۴۶۸	جایگاه احزاب در قانون اساسی
۴۷۲	کمک به مطبوعات، مقوم استقلال یا اتصال
۴۷۴	درباره‌ی جاو: اسرائیل به لبنان
۴۷۷	اصلاح‌طلبان از رد صلاحیت‌ها گفتند
۴۸۶	سه آفت شریاها
۴۸۸	معلمان؛ خواسته، صنف و متنی بر قانون
۴۸۹	عرصه بیش از پیش برای بزرگ و هنرتنگ شده
۴۹۰	حذف یا تداوم اصلاحات
۴۹۶	رد صلاحیت، بدون سند و مدرک
۵۰۰	انتظارات از دولت روحانی
۵۰۵	در گزارش صدروزه می‌شد اطلاعات فزون‌تری به مردم داد
۵۰۶	نمره‌ی عالی در حل و فصل پرونده‌ی هسته‌ای
۵۰۹	درباره‌ی عملکرد استاندار بوشهر
۵۱۱	اتحاد اصلاح‌طلبان برای پیروزی در انتخابات مجلس
۵۱۶	کاشانی از کودتا حمایت کرد
۵۲۱	معلمان چه می‌خواهند؟
۵۲۳	در پی تحقق عدالت برای معلمان
۵۲۴	مطالبات فرهنگیان از مجلس دهم
۵۲۶	افزایش حقوق پایه و سپس رتبه‌بندی
۵۲۸	آرمان فراتر از میز و صندلی است
۵۳۰	پایان نیم قرن رویارویی خونین و مرگبار
۵۳۱	پرسش و پاسخ درباره‌ی هاشمی رفسنجانی
۵۳۷	حق نقد قدرت، لغو ناپذیر است
۵۳۹	پیشرفت را خارج از سهم خواهی و جناح بازی بخواهید
۵۴۱	ما از یک کتابخانه همگانی استاندارد محرومیم
۵۴۵	تکریم و معیشت

۵۴۷	در شرایط کنونی، رویکرد تحریم به سود ضد اصلاحات داخلی است
۵۴۸	پاسداشت حقوق انسان و تنش زدایی
۵۵۱	توسعه فراگیر و هم زمان را کارآمدتری دانم
۵۵۴	فاصله معنادار با استانداردهای قابل قبول
۵۵۹	عملکرد بهتر نسبت به دولت نهم و دهم
۵۶۱	رأی من نه بزرگ به تمامیت خواهی بود
۵۶۵	اجازه عرض اندام به ویژه خواران داده نشود
۵۶۶	برای داوری در باره عملکرد گراوند باید به انتظار نشست
۵۶۹	این نوع کردارها با تدبیر و امید نسبتی ندارد
۵۷۱	محدودیت راه دانایی مردم
۵۷۵	ضمانت اصلی برجام بین المانی، برجام ملی است
۵۷۸	کامیابی کارزار تحریم نیازمند ورود آمادگی ذهنی و شرایط عینی است
۵۸۱	جام جهانی با جهان چه می‌داند؟
۵۸۶	آن چه اصالت دارد نویسنده و نوشته‌ها او است
۵۹۱	رکورد شکنی در تاراج اموال عمومی
۶۰۲	خوارج؛ بازشناسی افراط گرایی
۶۰۶	روحانی اگر شعاعیت داشته باشد باید از این فرصت برای استفاده کند
۶۰۹	بندر آزاد بوشهر؛ سکوی صادرات یا انبار واردات؟
۶۱۴	ضرورت‌های پیش روی کنشگران سیاسی
۶۱۷	پیشنهاداتی به شهردار جدید
۶۲۱	در باب بیست سالگی نصیر بوشهر
۶۲۵	بخش سوم: نامه‌ها
۶۲۶	نامه به مجله ایران فردا
۶۳۱	نامه به مجله کیان
۶۳۳	نامه به هفته نامه توس
۶۳۵	نامه به روزنامه جامعه
۶۳۹	نامه به مجله کیان
۶۴۱	نامه به عبدالعلی بازرگان
۶۴۲	نامه به مجله چشم انداز ایران
۶۴۴	نامه به مدیرکل ارشاد
۶۴۵	نامه به مدیرکل ارشاد

۶۴۷	نامه به مدیرکل ارشاد.....
۶۴۸	نامه به وزیر ارشاد.....
۶۵۰	نامه به بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر.....
۶۵۲	نامه به معاون سازمان آموزش و پرورش.....
۶۵۴	نامه به هیأت نظارت بر انتخابات.....
۶۵۷	نامه به ستاد انتخابات.....
۶۵۸	نامه‌ی فرمانداری.....
۶۵۹	نامه به انجمن اهل قلم.....
۶۶۱	نامه بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر.....
۶۶۲	نامه به رئیس پردیس اطباء.....
۶۶۸	نامه به هیأت نظارت بر انتخابات.....
۶۶۹	نامه به ریاست هیأت نظارت بر انتخابات.....
۶۷۱	نامه به هیأت نظارت بر انتخابات.....
۶۷۳	نامه‌ای به رئیس جمهور منتخب ریاست دولت اخلاقی.....
۶۸۲	نامه به رئیس دانشگاه فرهنگیان.....
۶۸۶	نامه به رئیس دانشگاه فرهنگیان.....
۶۹۱	نامه به معاون وزارت آموزش و پرورش.....
۶۹۳	برای آگاهی وزیر آموزش و پرورش.....
۶۹۴	نامه به بنیاد ایران شناسی، شعبه بوشهر.....
۶۹۵	آقای جمیری بوشهری‌ها را به شهروندان درجه‌ی یک و دو تقسیم نکند.....
۷۰۱	نامه به مدیر مدرسه‌ی ماندگار سعادت بوشهر.....
۷۰۲	نامه به مدیریت فرهنگسرای شیخ حسین چاهکوتاهی.....
۷۰۳	بخش چهارم: تک‌نگاری‌ها.....
۷۰۵	یاد بزرگان را گرامی بداریم.....
۷۰۶	پیام هامون به جای توس مشهد.....
۷۰۷	نخستین انتخابات شورا.....
۷۱۱	یک پیشنهاد به آموزش و پرورش و اداره‌ی ارشاد.....
۷۱۳	زیدآبادی همچنان روزنامه‌نگار.....
۷۱۴	شریعتی همیشه معلم انقلاب.....
۷۱۵	شمس و عصر جدید روزنامه‌نگاری در ایران.....
۷۱۷	مهندس چریک و نظریه پرداز.....

۷۱۹.....	نخستین رئیس دانشگاه تهران پس از انقلاب
۷۲۰.....	آقای دبیرکل
۷۲۲.....	نیاز به تحول
۷۲۴.....	بازداشت مدیر مسئول هفته نامه سلام جنوب بوشهر
۷۲۶.....	برای یادآوری آقای قیصری زاده
۷۳۱.....	یک جوان مسلمان
۷۳۳.....	آخرین دغدغه های ما
۷۳۴.....	در سوگ فقیه دمی
۷۳۶.....	همسفران، میراث فرهنگی ما
۷۴۱.....	کیان؛ عرصه فراخناک و فرحناک تولید اندیشه
۷۴۹.....	پنجمین انتخابات شورا
۷۵۴.....	نصیر بوشهر با کارنامه ای بی یافتن
۷۵۸.....	بدرود دو مبارز شریف
۷۶۱.....	بخش پنجم: مسایل محلی
۷۶۲.....	تعرفه های پزشکی را اعلام کنید
۷۶۲.....	بندر ویژه، چه ویژگی هایی دارد؟
۷۶۲.....	ژیمناستیک در هوای دم کرده
۷۶۲.....	کوچه های بی نام و نشان
۷۶۳.....	لامپ های سوخته را تعویض کنید
۷۶۳.....	ماجرای غم انگیز توزیع ماهی و میگو
۷۶۴.....	عرضه نان نامطلوب
۷۶۵.....	از موتور سیکلت ها نگهداری کنید
۷۶۵.....	زمین های بلااستفاده را به مکان های تفریحی و ورزشی تبدیل کنید
۷۶۵.....	گلدایان را جمع آوری کنید
۷۶۶.....	نبودن چراغ راهنما و آشفته گی در ترافیک
۷۶۶.....	از آلودگی محیط زیست جلوگیری کنید
۷۶۷.....	سریال جدال از خانه تا خیابان و بالعکس
۷۶۷.....	احیای بازار قدیم
۷۶۸.....	حفاظت از اموال عمومی
۷۶۸.....	ریزش باران و مشکل آب های سطحی

درآمد

۱- نویسندگی در عام‌ترین معنای خود برای افراد باسواد، از دوران ورود به مراکز آموزشی، مکتب‌خانه، پیش‌دبستانی، مدرسه و یا درخانه آغاز می‌شود. نویسندگی اما در مراحل پس‌آغازین علم‌آموزی، در قالب املانویسی، مشق‌نویسی، انشانویسی، پاسخگویی به پرسش‌ها و آزمون‌های درسی و گاه پژوهش نمود می‌یابد. نامه‌نگاری به خویشان، دوستان و دیگران، خاطره‌نویسی و نوشتن یادداشت‌های روزانه و نامه‌نگاری‌های اداری نیز جلوه‌های دیگری از کار نویسندگی است. نویسندگی در معنای خاص خود ولی فراتر از نمونه‌های یادشده است و بیشتر در شکل و شمایل نوشتارهای مطبوعاتی و تألیف و تصنیف کتاب، ظهور و بروز دارد. من‌گرجه ازون بر مجموعه‌ی نوشتارهای تکلیفی درسی - که برای دانش‌آموزان امری همگانی بود - بنیاد گرفته، کار یادداشت‌برداری را در سال ۵۲ با نوشتن نام مقامات سیاسی کشورهای مختلف نیز نشان نام و برخی ویژگی‌های سلاح‌های گوناگون نظامی! که از رادیو می‌شنیدم و یا در دوسه روزی به‌ی‌موجود (کیهان، اطلاعات و رستاخیز) می‌خواندم، شروع کردم؛ اما نوشتن به مفهوم اصلی را از سال ۵۸ آغاز کردم.

در این سال و در گرماگرم زرمز و ماه‌های پرشور پس از انقلاب بهمن ۵۷، که به رغم تولیدات نوشتاری فراوان جناح‌های چپ - غیرذهبی و برخی گروه‌های سیاسی دین‌گرا، اغلب نحله‌های سیاسی - مذهبی هنوز در برخی رسانه‌های نوشتاری جنب و جوشی نداشتند، مقالات چهارگانه‌ای را درباره‌ی مسائل سیاسی روز در چهار و یا شاید پنج، شش صفحه‌ی آچار نوشتم. من نسخه دستنویس و یا تألیف شده‌ی این نوشتارها که هرکدام در ۲۰ نسخه تکثیر و در شهر بوشهر و به‌خصوص در برخی مدارس آن توزیع می‌گردید به نام «یک جوان مسلمان» منتشر می‌کردم. یکی از این نوشتارها با عنوان «درونمایه‌ی مناظره‌ای می‌پرداخت که بین «ابوالحسن بنی‌صدر» به عنوان یکی از نظریه‌پردازان مسلمان و «بابک زهرایی» رهبر حزب سوسیالیست کارگران و از فعالان چپ غیردینی برگزیده این مناظره

۱. بابک زهرایی از زمان پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۱ سردبیری هفته‌نامه «کارگر» را بهعهده داشت. طی این مدت ۱۲۸ شماره از این نشریه را منتشر نمود. این نشریه به صورت تقویم تحولات انقلاب ۱۳۵۷ قبل و پس از تشکیل جمهوری اسلامی، مسائل بنیادین انقلاب، جنگ و مبارزه تاریخی ملت جهت کسب آزادی و استقلال را طرح نموده به بحث گذاشت. نشریه کارگر فهم سیاست مستقل ملی و بین‌المللی، در مقابل روش‌های سرمایه‌داری پیشنهادی از سوی حکومت را به خوانندگان عرضه نمود.

وی به روایتی به علت انتشار این هفته‌نامه از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۸ بیش از ۶ سال در بازداشت دادستانی و دادگاه انقلاب اسلامی تهران بسربرد، که نزدیک به سه سال آن (۱۰۷۵ روز) را در سلول انفرادی بود. پس از گذشت دو سال و ۴۵ روز از بازداشت، در یک محاکمه در بسته در دادگاه انقلاب تهران بدون حضور وکیل، مطبوعات و یا خانواده، [...] تفهیم اتهام و طی سه روز محاکمه شد. زهرایی در سال ۶۸ آزاد شد و به خارج رفت. در حال

در دوران مدیریت مرحوم «صادق قطب‌زاده» (۱۳۱۴-۱۳۶۱ ه.ش.) بر رادیو و تلویزیون، به صورت زنده از تلویزیون پخش شد. این رویکرد آزادمنشانه و چند صدایی تلویزیون به مثابه‌ی بخشی از مطالبات تاریخی مبارزان ضد استبداد، دست‌کم در میان عموم کنشگران سیاسی کشور بازتاب میمونی داشت.

نوشتاری دیگر نیز به شرح و نقد یکی از رخدادهای آن دوره؛ یعنی، اشغال افغانستان به وسیله‌ی ارتش شوروی می‌پرداخت. عنوان و جزییات دو نوشتار دیگر که البته در هردو به رخدادهای داخلی پرداخته بودم اما از حافظه‌ام برون بسته‌اند.

در اینجا شایسته است یادی کنم از دوست عزیزم زنده‌یاد، شهید «اسماعیل کمان» (۱۳۳۶-۱۴۰۱ ه.ش.) که در مرحله‌ی چاپ و توزیع مقالات یادشده، با من همکاری صمیمانه‌ای داشت. روشرت بناد!

به علاوه، یک مطلب را نیز در فاصله‌ی زمانی مهر ۵۸ تا اواخر فروردین ۵۹ که سال اول دانشگاه بودم، قلمی کردم. این پدیدارهای نوشتاری مطابق رسمی که کم و بیش در آن دوره در دانشگاه‌ها متداول بود بر تائیدی اعلانات سیاسی و مدنی دانشجویی و دیوار دانشکده‌ها و یا بدنه‌ی جاهایی مانند سالن غذا-خوری دانشگاه نصب می‌شد. یکی از این مقالات دیواری من، با این عنوان منتشر شد: «حزب سوسیالیستی بعث عراق را بهتر شناسیم». در این نوشتار که در مقطع بروز تنش‌های سرزمین عراق و ایران و انفجار برخی لوله‌های نفتی در خوزستان به وسیله‌ی خرابکاران مرتبط با عراق، اشاره‌ی یافت به طور مستند به نقش منفی عراق در پاره‌ای از تحولات خاورمیانه تصریح شد. همچنین در اوایل سال ۵۸ نامه‌ای به قطب‌زاده نوشته و در آن در باب مفاد برنامه‌ی روزانه، نقش رادیو و تلویزیون پیشنهادهایی مشخص ارائه دادم.

پس از تعطیلی دانشگاه در فروردین - اردیبهشت ۵۹ به خاورخیزان موسوم به «انقلاب فرهنگی»، به مناسبت روز جهانی کارگر نیز مقاله‌ای نگاشتم که در آن من بر شرح چرایی و چگونگی پیدایش این روز و نیز دفاع از حقوق کارگران، از آنان خواسته‌ام. پس برای جلوگیری از هرج و مرج لجام گسیخته، مطالبات عادلانه‌ی خود را به شیوه‌های مدنی و غیرخشونت‌بار پیگیری کنند. این نوشتار در نشریه‌ی زیراکسی جهاد سازندگی بوشهر منتشر شد. محل جهاد سازندگی بوشهر، پیش از این، محل کاخ جوانان بود. مصاحبه‌ی مکتوبی نیز در باب روز کارگر و چند و چون رسیدگی به حقوق و خواسته‌های کارگران با مدیر وقت شرکت صنایع دریایی ایران (صدرای کنونی) انجام دادم که در همان نشریه چاپ شد. در دوران پس از بازگشایی

دانشگاه‌ها نیز؛ در سال ۶۳ یا ۶۴ نامه‌ای به نسبت دراز برای مرحوم مهندس بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳.ش.) نوشته و در آن به بررسی و گاه انتقاد از درونمایه‌ی یکی از کتاب‌های ایشان به نام «انقلاب ایران در دو حرکت» پرداختم. این نامه که قرار بود توسط یکی از دوستان دوران دانشجویی برای بازرگان فرستاده شود، به علتی فرستاده نشد. از این نوشتارها اما به رغم جست و جوی فراوان، متأسفانه نسخه‌ای یافت نشد و در نتیجه در این کتاب جایی ندارند. پس از پیوستنم به شبکه‌های اجتماعی مانند «واتس‌آپ» و «تلگرام» در سه چهار سال کنونی، نیز مطالب فراوانی که بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها با وجود کوتاه بودن، خصلت پژوهشی و تحلیلی داشت در این شبکه‌ها منتشر کردم. بخش بسیار بیشتر این نوشتارها اما دریغاً که به دو علت سستی در بایگانی کردن به موقع و نیز مشکلات فنی که گاه به جان گوشی‌ام می‌افتاد از بین رفت. چاپ پاره‌های موجود و از میان نرفته را نیز به گاهی دیگری سپارم.

۲- کار نویسنده‌ی این کتاب کم و بیش در آغاز بالیدن بود، اما زان پس به قهقرا رفت. یأس و سرخوردگی شدید ناشی از بسته شدن فضای سیاسی و فرهنگی جامعه و حاکمیت اندیشه‌ی تک‌صدایی به ابودی آبان‌ها و بر باد رفتن آرزوهای مان در دهه‌ی ۶۰ انجامید. که چه فکر می‌کردیم و چه شد. بران مان را فرسود و ذهن مان را خشکاند. سه سال تعطیلی دانشگاه‌ها (سال‌های ۵۹، ۶۰ و ۶۱) که راز گرفتن مدرک لیسانس را برای من و هم‌سرنوشتان من - که همراه ۵۸ وارد دانشگاه شد - بودیم. برای دو تا سه سال به تأخیر انداخت نیز به برنامه‌ی مطالعاتی و نویسندگی من خسارت وارد کرد. همچنین در غلتیدن در انبوهی از رفتاری‌ها و تنگناهای مادی و معنوی و روزمرگی‌ها، متداول، و کوشش برای برون رفت از این نابسامانی‌ها، من را در قلمرو رفع نیازهای نخستین زیست غریزی زندانی کرد و پرداختن به امور اجتماعی و غیرشغلی و از جمله خلق آثار مکتوب را به حاشیه‌ی پرتلاطم زندگی راند. این علل عینی نامیمون و نیز کاستی‌های فردی و تنبلی‌های شخصی نامبارک، گرچه نتوانست به طور کلی کتاب را از دست من بیندازد و من را از خشم آثار نوشتاری و نیز پیگیری رسانه‌ای رخداد‌های داخلی و خارجی بازدارد؛ اما امر نوشتن را برای من تا خرداد فرخنده‌ی سال ۷۶ و دوران اصلاحات به تعویق انداخت.

۳- در این دوره، افزون بر جنبش در فضای دم‌کرده و سربسی سیاست، عرصه‌ی فرهنگ و آفرینش پدیدارهای مکتوب، مطبوعات و کتاب نیز تکانی خورد و نشریات محلی و سراسری هوادار اصلاح و تحول - که پیش از دوم خرداد، شمارشان بس ناچیز بود - ورود خود را در دار هستی با نشستن بر دکه‌های مطبوعاتی به آگاهی خلق و مشتاقان رسانه‌های آزاد و رهایی بخش رساندند. شور و شوقی کم مانند اصحاب قلم و اهالی مطالعه و جویندگان سوفیای (دانایی) اجتماعی را در برگرفت. دو دوران طلایی آزادی نشریات، شهریور ۲۰ تا مرداد ۳۲ و بهمن ۵۷ تا خرداد ۶۰، تا حدودی بازتولید شد. نسیم خجسته‌ی دوم خرداد ۷۶ اینک مسیح‌وار در تن

کرخت و جان بی‌جان مان می‌دمید. پس از ۱۶ سال حبس استعدادهای زاینده‌ی قلم، زادروز دوباره‌ای را تجربه می‌کردیم. انرژي‌های انباشت شده در حال رهایی بود. برای زایش قلم، به عنوان کالایی فرهنگی و بیدارکننده، شب را از روز باز نمی‌شناختیم، مدیریت زمان بلا موضوع شده بود. بیشتر درونمایه‌ی این کتاب نیز دست‌آورد همین مقطع زمانی است.

۴ - مندرجات این کتاب با توجه به قالب مطالب آن در پنج بخش مقالات و یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها (میزگردها)، نامه‌ها، تک‌نگاری‌ها، و مسایل محلی تنظیم شده است. تدوین این پنج سرخط به شکل بالا اما براساس پیش و پس زمانی انتشار در رسانه‌ها نیست. رسی زیرمجموعه‌ی هریک براساس تاریخ چاپ آن نوشتارها رده‌بندی و ارایه می‌شود. این نوشتارها که بخشی از نوشتارهای نگارنده است و در فاصله‌ی سال‌های ۷۶ تا پایان مهرماه ۹۷ آفرید شده، در همین دوره در برخی نشریات و سایت‌های محلی (استان بوشهر) چاپ و انتشار یافته است. برخی از این مطالب نیز به وسیله‌ی بعضی نشریات سراسری و پایگاه‌های (سایت‌ها) اطلاع‌رسانی غیرمحلی درون و برون مرزی منتشر شده است. چند نوشته نیز پیشینه‌ی بسیار اندک و برای نخستین بار انتشار می‌یابد. برخی نامه‌ها نیز بیانگر کنشگری من در بخش توزیع مطالب و روشنفکری است.

برای هر مطلب چاپ شده دست‌کم یک آدرس در پانویست آورده شده که در نخستین ارجاع به صورت کامل و در ارجاعات بعدی به شکل مختصر نمایش داده شده است. مثال: هفته‌نامه‌ی محلی «نسیم جنوب» بوشهر شماره‌ی ۲۰، ۹۵/۰۲/۲۰ به این صورت در می‌آید: نسیم جنوب، ش ۲۰، ۹۵/۰۲/۲۰. آدرس پایگاه اطلاع‌رسانی نیز به زبان انگلیسی و یا فارسی درج شده است.

درباره‌ی مفاد برخی از مطالب این کتاب که در دوران ریاست اینترنت در ایران، در این شبکه‌ی جهانی انتشار یافته، دیدگاه‌هایی انتقادی و گاه نیز به خود نگارنده بیان شده که آن را در زیر هریک از نوشتارها آورده‌ام. در باب برخی از این انتقادات، در روزشنگري کرده‌ام. برخی را نیز که باید در همان گاه پاسخ می‌دادم، دریغ که در چاپ نگذاشته و ابهام‌زدایی نکردم! ارزیابی آن نقدها را اما در این کتاب نیز بی‌ارمغان دانسته و در نتیجه، آن را وامی‌نهم.

۵ - درباره‌ی محتوای نوشتارها، گرچه کلیت آن هر چه بود حفظ گردید، ولی در باب فزونی و یا کاهش آن و تغییرات واژگانی و جمله‌ای، ویرایشی اندک انجام شد. در خصوص ساختار شکلی و نگارشی این آفریده نیز تلاش شد ویرایش لازم به عمل آید. گرچه به علت انتشار این مطالب در بازه‌ی زمانی دست‌کم بیست ساله، همه‌ی این نوشتارها از شیوه‌ی نگارشی یکدستی پیروی نمی‌کند. روند نوشتارها اما در گذر زمان به سوی جدانویسی و فارسی‌نویسی بیشتر میل دارد. این پدیدار اما به هر حال، برهنه از کاستی‌های صوری و مادی نیست و نکته‌سنجی‌های خوانندگان گرامی و به ویژه اصحاب ارجمند فن به زیبانگاری پوسته و مغز

آن کمک شایانی خواهد کرد.

استخوان بندی فکری و سیاسی من در این نوشتارها در مجموع همسان و بر حقوق بشر، کرامت ذاتی انسان، تکرهمه جانیه، عدالت، آزادی، دموکراسی و منافع میهنی استوار است. این بنیادهای اندیشگی به باور خودم اما در گذر دوران همواره به سوی ژرف نگری و بالندگی هرچه بیشتر در تکاپو بوده و در این روند دگرگونی‌هایی را در سمت و سوی خردگرایی ناب‌تر، واقع‌بینی فزون‌تر در نگاه به قدرت‌های خارجی و بایگانی کردن شعار حکومتی مرگ‌خواهی برای دیگر کشورها به خود دیده است. این تحولات شامل عبور از پیش فرض‌های اسطوره‌ای و قدیس‌گرایان، داورهای ایدئولوژیک بی‌بنیاد و انگارهای عقیدتی و سیاسی خردگیز نیز می‌شود. البته داری خوانندگان ممکن است این‌گونه نباشد.

۶- دروندیهی این کتاب گرچه حاوی نگاه نویسنده به موضوعات و مسائلی در حوزه‌های عمومی سیاست، فرهنگ، آموزش و پرورش می‌باشد؛ اما در باب عنوان انتخابی کتاب، با توجه به سوگیری نزدیک به «درونیات» که بیانگر دلشوره‌ی نگارنده در باب دو فن شریف «آزادی و عدالت» بوده است، عنوان «در دفاع از آزادی و عدالت» را برای آن برگزیدم. در نوشتن تاریخ زادروز و درگذشت بیشتر افراد که نام‌شان در این کتاب آمده، از داده‌های اینترنتی و دانشنامه‌ی آزاد «ویکی‌پدیا» استفاده شده است.

در این جا شایسته است که سپاس خویش را به همسر سرکار بانو نسرين موحد که با وجود اشتغال به کار معلمی، با مدیریت خود رسامانده‌ی و «تدبیر منزل»، فرصت لازم را برای خلق این نوشتارها برای من فراهم کردند تقدیم دارم. همچنین از دوست و همکار فرهنگی ام آقای اسماعیل منصورنژاد که در بهبود کثرتی‌های رایانه‌ای این نوشتار کوشیدند، تشکر می‌نمایم. ایشان تغییراتی نیز در پیوسته و یا جدا نویسی واژه و بعضی نکته‌های نگارشی داده و به زیباسازی شکلی این کتاب یاری رسانده است. با وجود این، بهی کاستی‌های این کتاب از آن این نگارنده است.

و اینک و پس از درآمد، این کتاب را به نام نامی همه‌ی انسان‌های آزاد، داوود گروزد استبداد و با پیامی به مناسبت آغاز مهرماه و سال تحصیلی ۱۳۹۷ می‌کشایم.

غرض نقشی ست کز ما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحب دلی روزی به رحمت کند در کار درویشان دعایی

(سعدی، دیباجه گلستان)

خلیل موحد

بو شهر - آبان ماه ۱۳۹۷ خورشیدی